



فکرش را نمی‌کردم که در محل قرار با خریدار مواد مخدر، درد زایمان سراغم بیاید. مردم آن قدر شدید بود که نتوانستم خودم را به خانه مشتری برسانم و در خیابان حالم بد شد



درد زایمان دست قاچاقچی را رو کرد

فروشنده مواد مخدر که آخرین ماه بارداری‌اش را می‌گذراند، زمانی که برای تحویل مواد به مشتری‌اش پا از خانه بیرون گذاشت، درد زایمان سراغش آمد. قاچاقچی جوان هرگز تصور نمی‌کرد درد زایمان و نوزاد عجولش راز فروش مواد مخدر را برملا کند.

چندی پیش رهگذرانی که در حال عبور از یکی از خیابان‌های جنوبی پایتخت بودند متوجه ناله‌های زن جوانی در کنار خیابان شدند. رنگ به روی زن جوان نبود و وضعیت ظاهری‌اش حکایت از بارداری او داشت. طبق اظهارات زن جوان، زمان وضع حملش فرا رسیده بود و همین مساله باعث شد رهگذران بلافاصله این موضوع را با اورژانس در میان بگذارند. با حضور ماموران اورژانس در محل،

زن جوان به بیمارستان منتقل شد. پرسنل بیمارستان فرزند زن جوان را به دنیا آوردند و زمانی که به دنبال مدرکی برای شناسایی هویت او بودند، ناگهان با چند بسته مواد مخدر صنعتی شیشه داخل کیفش مواجه شده و بلافاصله موضوع را به پلیس خبر دادند. به این ترتیب دست زن جوان که فروشنده مواد مخدر بود رو شد و او به ناچار به جرم خود اعتراف کرد. ناهید در گفت‌وگویی با تپش از ماجرای حمل

مواد مخدر و تولد نوزاد عجولش گفت که می‌خوانید.

با این وضعیت کجا می‌رفتی؟

می‌خواستم مواد مخدر از نوع شیشه را به دست یکی از مشتری‌هایم حوالی مولوی برسانم. فکرش را نمی‌کردم که در محل قرار با خریدار مواد مخدر، درد زایمان سراغم بیاید. مردم آن قدر شدید بود که نتوانستم خودم را به خانه مشتری برسانم و در خیابان حالم بد شد.

زمانی که به بیمارستان منتقل شدی راز فروشنده‌گی مواد مخدرت رو شد. این اتفاق چطور رخ داد؟ بهتر بگویم، راز این ماجرا چطور

برملا شد؟

در خیابان حالم بد شد و مردم که متوجه من شدند بلافاصله با اورژانس تماس گرفتند. مرا به بیمارستان منتقل کردند. از آنجا که هیچ‌کسی همراه من نبود، پرسنل بیمارستانی که به آنجا منتقل شده بودم سراغ کیف دستی‌ام می‌روند تا شماره یا آدرسی در آن پیدا کنند و با خانواده‌ام تماس بگیرند که داخل کیفم مواد مخدر را پیدا می‌کنند.

چقدر مواد بود؟

۱۸ گرم مواد روانگردان از نوع شیشه و چند عدد پایپ نیز داخل کیفم بود.

همسرت کجاست؟

همسرم زندان است. به جرم فروش مواد مخدر. من و همسرم سال‌هاست که مواد مخدر می‌فروشیم و چند ماه قبل ماموران پلیس همسرم را با مقداری مواد دستگیر کردند.

بعد از دستگیری او به تنهایی به کار ادامه دادم.

تو به اتهام حمل و نگهداری مواد مخدر سابقه کیفری داری؟

(زن جوان سکوت می‌کند.)

بازداشت شدن تو و همچنین دستگیری همسرت باعث نشد تنبیه شوی و از این کار دست بکشی؟

(متهم جوان بازهم سکوت می‌کند.)

فکر می‌کردی راز فروش مواد مخدر فاش شود؟

به این صورت نه. اصلاً فکرش را هم نمی‌کردم که درد زایمان آن زمان سراغم بیاید و لو بروم.

چند تا بچه داری؟

دو تا، این سومی است.

نظرات خوانندگان

رقیه حسن بیگی از اقلید فارس: با سلام مطالب تپش پرطرفدار است و خوانندگان زیادی دارد که با تیراژ کم روزنامه مشکلات دریافت آن بیشتر شده و تپش ۸ صفحه‌ای هم به دستمان نمی‌رسد. درخواست دارم تپش را با توجه به مخاطبانیش بیشتر چاپ کرده که کمال تشکر و سپاسگزاری را داریم. ان شاء... تپش بزودی ۱۶ صفحه‌ای چاپ شود و همه موارد حذف شده را دوباره منتشر کنید.

زهره عباسی از تهران: مطالب این هفته فوق‌العاده جذاب بود. به نظرم باید بیشتر سراغ مطالب کوتاه و جذاب

عکس هفته

انفجار مخزن هیدروژن کارخانه را تخریب کرد



عکس: ۱۳۵

آیامی‌دانستید

- چنانچه پزشك غير از موارد مجاز از نظر قانونی، اقدام به سقط جنین کند به مجازات حبس از دو تا پنج سال محکوم و ملزم به پرداخت دیه جنین خواهد شد.
- خواستگاری و نامزدی ایجاد رابطه زوجیت نمی‌کند و طرفین را نمی‌توان به صرف خواستگاری و نامزدی اجبار به ازدواج کرد.
- زن و مرد، چنانچه از وجود بعضی عیوب، قبل از وقوع عقد مطلع نبوده باشند موجب انحلال عقد نکاح و فسخ ازدواج می‌شود به عنوان مثال ناتوانی جنسی در شوهر یا جذام و زمینگیری در زن.
- تفکیک در اداره ثبت انجام می‌گیرد، اما افزای هم در اداره ثبت و هم در دادگاه.
- اگر زوجی بدون اذن همسرش جهیزیه وی را بفروشد برابر قانون مسؤول است و می‌توان به عنوان فروش مال غیر از وی شکایت کرد.

بروید.

احسان از بیرجند: چرا سلفی با چوبه دار دیگر چاپ نمی‌شود؟ این ستون یکی از ستون‌های خواندنی تپش است. آن را حذف نکنید.

تپش: در هفته‌های اخیر به دلیل حجم آگهی‌ها نتوانستیم این ستون را منتشر کنیم.

یکی از خوانندگان: سه هفته است تپش پیدا نمی‌کنم بخوانم. چرا تعداد روزنامه را چهارشنبه‌ها کم کرده‌اید؟